چهره روز

### درحاشیه اولین نمایش فیلم احمد طالبی‌نژاد

## مهرجویی از بازسازی تصاویر «گاو» شگفت‌زده شد

● **شرق:** کارگردان فیلم «سنتوری» شامگاه دوم اردیبهشت برای تماشای مستند «موج نو» به کارگردانی احمد طالبی‌نژاد به جشنواره جهانی فجر در پردیس سینمایی «چارسو» آمد که در این فیلم اشاراتی هم به «سنتوری» و مسئله توقیف آن شده بود. مهرجویی پس از تماشای فیلم درباره یادآوری خاطرات فیلم «سنتوری» به ایسنا گفت: «اتفاقی که برای این فیلم افتاد، یک ظلم و بی‌عدالتی بود چون یک‌سال تمام، گروه‌های مختلف نظارتی سناریوی آن را خواندند، تأیید کردند و اجازه فیلم‌برداری صادر شد، بعد کمیته انتخاب آن را برای جشنواره فجر انتخاب کرد و هیأت داوران هم به فیلم جایزه داد، با این شرایط آن‌وقت؛ یعنی می‌شود که آقایان فیلم را تا شب اکران ندیده باشند».او ادامه داد: «برای فیلم «سنتوری» ۵۰۰میلیون‌تومان هزینه کپی، پوستر و تبلیغات شده بود ولی با کاری که کردند (از اکران عمومی فیلم جلوگیری شد) فیلم «سنتوری» را از بین بردند».مهرجویی با تأکید بر اینکه این فیلم می‌توانست پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران شود ولی آن را نابود کردند، درباره فیلم جدیدی که قصد دارد با نام «سنتوری، مرد پاییزی» بسازد، اظهار کرد که همچنان به‌دنبال سرمایه‌گذار برای ساخت این فیلم است. او همچنین درباره فیلم «موج نو» که به شکل مستندگونه با حضور چند کارگردان سینما به بررسی سینمای موج نو در ایران می‌پردازد، گفت: «فیلم خوبی بود و جنبه‌های طنز آن هم خوب از کار درآمده بود، اما به نظرم باید کمی کوتاه شود تا برای تماشاچی عادی، دیدن آن راحت‌تر شود».داریوش مهرجویی در ادامه در پاسخ به سؤالی با اشاره به اینکه برگزاری جشنواره جهانی فجر به شکل فعلی بهتر است و باید بهترین فیلم‌ها برای آن انتخاب شود، گفت: «جدا از تمام این حرف‌ها می‌خواهم یک چیزی درباره برنامه زنده‌ای که شب‌ها از تلویزیون پخش می‌شود بگویم و آن هم این است که زیاد در این برنامه حرف می‌زنند. بهتر است روی حرف‌هایی که گفته می‌شود تصاویر فیلم‌هایی که درباره آن صحبت می‌کنند هم پخش شود تا مردم بدانند در این فستیوال چه فیلم‌هایی نشان داده می‌شود. این خوب نیست که دو ساعت فقط آدم‌ها بنشینند و حرف بزنند درحالی‌که سینما یعنی تصویر و لااقل می‌توان روی صحبت‌ها تصاویر بی‌صدای فیلم‌ها را نشان داد».این کارگردان همچنین از عکس‌های گرفته‌شده از نسخه بازسازی‌شده فیلم «گاو» ابراز شگفتی کرد.

پیشنهاد روز

## آلبوم «دوره‌گرد» منتشر شد

● **شرق:** آلبوم «دوره‌گرد» که با موضوع موسیقی ملل تهیه شده است، روانه بازار شد. این آلبوم با سفری از ایران آغاز می‌شود، گذری بر فرهنگ ملل دیگر دارد و سپس به ایران بازمی‌گردد. هدف این آلبوم نشان‌دادن اشتراکات فرهنگی -بالاخص موسیقایی- ایران با ملل و اقوامی همچون کرد، عرب، ترک، ارمنستان، رومانی، یونان و... است که نحوه انتخاب اقوام آگاهانه از سوی آهنگ‌ساز انجام شده. هدف هومن مهدویان، آهنگ‌ساز این آلبوم پررنگ‌کردن این موضوع بوده است که اگرچه با گذشت زمان و ایجاد مرزهای به‌ظاهر جغرافیایی، بین این قومیت‌ها فاصله ایجاد شده اما این ممالک آبشخوری از یک فرهنگ و ریشه‌ای درظاهر متفاوت منتهی در باطن یکسان دارند. مهدویان مدت دو سال را صرف تحقیق و شناخت موسیقی این ملل و اقوام کرد و درنهایت به آهنگ‌سازی و تنظیم و ضبط اثر پرداخت. این آلبوم محصول کار گروه مدیان (به معنای اهل سرزمین ماد) است که به گفته مهدویان علاوه بر اعضای ثابت، نوازنده‌ها و اعضای میهمان هم برای حضور در این اثر، همراه گروه بوده‌اند.

عکس: حمید املشی، ایسنا

### جشنواره جهانی فجر میزبان اصغر فرهادی شد

# «فروشنده» به کن می‌رود

**شرق:** در دومین روز از جشنواره جهانی فیلم فجر، برگزاری کارگاه اصغر فرهادی با چنان استقبال و ازدحامی روبه‌رو شد که اگرچه بنا نبود به جز صد و چند نفر اعضای «دارالفنون» که از استعدادهای منتخب ایران و کشورهای همسایه هستند، شرکت‌کننده دیگری در مراسم حاضر شود؛ اما بنا به اجازه برگزارکنندگان جشنواره، عموم افراد مشتاق حاضر در محل برگزاری جشنواره نیز در این کارگاه حاضر شدند. ازدحام جمعیت چنان بود که این کارگاه به جلسه عمومی پرسش و پاسخ تبدیل شد و مدیر بخش دارالفنون، مازیار میری، در میانه جلسه برای دقایقی، وضعیت جسمی ناخوشی پیدا کرد و راهی اورژانس شد.

با ورود فرهادی به محل برگزاری کارگاه خبرنگاران به سوی این کارگردان شناخته‌شده ایرانی آمدند. او نیز در سخنانی نظر خود را درباره نحوه برگزاری جشنواره چنین ابراز کرد: «برای اولین‌بار در این سی و چند سال، جشنواره‌ای داریم که در حد استاندارد برگزار می‌شود و این مسئله بسیار افتخارکردنی است».

درحالی‌که همچنان وضعیت پذیرفته‌شدن تازه‌ترین ساخته اصغر فرهادی «فروشنده» در شصت‌ونهمین جشنواره فیلم کن نامعلوم بود، فرهادی در پاسخ به پرسش خبرنگاران درباره پذیرفته‌شدن یا نشدن فیلمش در این جشنواره و وضعیت نمایش بین‌المللی آن گفت: «طبق برنامه اگر فیلم به جشنواره کن راه پیدا کند یا در آن حضور نداشته باشد، در هر دو صورت اکران عمومی می‌شود که فکر می‌کنم اواخر تابستان باشد».

البته حضور فرهادی در میان خبرنگاران محدود به قبل از شروع کارگاه نشد. او بعد از پایان کارگاه هم به پرسش‌های تعدادی از رسانه‌ها پاسخ گفت. او درباره وضعیت نمایش فیلم «فروشنده» در صورت راهیابی به جشنواره کن به «شرق» گفت: «نتیجه اعلام جشنواره کن برای فیلم «فروشنده» هرچه که باشد، خوب است؛ البته این فیلم را هم شرکت پخش‌کننده یعنی ممنتو به جشنواره کن داده و من چون مشغول مونتاژ فیلم بودم، فرصتی برای این کارها نداشتم».

او همچنین درباره اینکه آیا قصد ندارد فیلمش را به جشنواره دیگری بدهد، عنوان کرد: «درباره جشنواره‌ها من تصمیم نمی‌گیرم و شرکت ممنتو تصمیم می‌گیرد. قرار ما هم بر این است که اواخر تابستان در ایران و چند کشور از جمله فرانسه، ایتالیا، آلمان، بلژیک و ترکیه اکران هم‌زمان کنیم».

فرهادی در انتهای صحبت‌هایش درباره اینکه اگر فیلمش به کن راه پیدا نکند، آیا برنامه‌ای برای نمایش فیلم «فروشنده» در جشنواره جهانی فجر دارد، گفت: «هنوز فیلم آماده نیست و در شرایط خوش‌بینانه دو هفته دیگر تا تکمیل صدا و نور زمان نیاز دارد».

این در حالی است که ساعتی پس از این سخنان، فرهادی در جشنواره جهانی فیلم فجر، خبری مبنی بر پذیرفته‌شدن «فروشنده» در بخش مسابقه کن منتشر کرد. در شرایطی که هفته گذشته با اعلام فیلم‌های پذیرفته‌شده در بخش مسابقه جشنواره کن، جای خالی فیلم فرهادی برای بسیاری این سؤال را ایجاد کرده بود که آیا این فیلم هنوز دیده و انتخاب نشده یا اینکه توسط هیأت انتخاب، رد شده، سرانجام بامداد جمعه خبر حضور این فیلم در بخش اصلی کن، سبب دلگرمی جامعه سینمایی ایران شد. بناست حسین جعفریان، پریسا بخت‌آور، ترانه علیدوستی، شهاب حسینی، کاوه سجادی‌حسینی، مینا ساداتی، بابک کریمی و مارال بنی‌آدم، فرهادی و «فروشنده»اش را در شصت‌ونهمین جشنواره جهانی کن همراهی کنند.

فرهادی که برای برگزاری کارگاه در روز پنجشنبه، دوم اردیبهشت به پردیس سینمایی چهارسو آمده بود، قبل از آغاز صحبت‌هایش در جمع حاضران کارگاهش، برای عباس کیارستمی که این روزها در بستر بیماری است، طلب سلامت کرد.

به گزارش ایسنا، اصغر فرهادی در این جلسه که مصطفی احمدی صحبت‌های او را برای دانشجویان و هنرجویان خارجی ترجمه می‌کرد، در ابتدای سخنانش با بیان اینکه خوشحالم که آقای میرکریمی، این‌چنین آبرومندانه توانسته جشنواره جهانی فجر را برگزار کند، گفت:«بخشی از اعتباری که سینمای ما دارد، مدیون آدم‌هایی است که همیشه در چنین جاهایی باید از آنها یاد کرد. یکی از آنهایی که می‌خواهم از او اسم ببرم و بگویم که چقدر دوستش دارم و در کار از او الهام گرفته‌ام، این روزها در بستر بیماری است و آرزو می‌کنم در این جمع انرژی خوبی برای عباس کیارستمی بفرستیم تا هرچه زودتر بهبود پیدا کند و سال دیگر این کارگاه‌ها با حضور او برگزار شود».

کارگردان فیلم «جدایی نادر از سیمین» پس از صحبت‌های ابتدایی خود از حاضران خواست تا سؤال‌های خود را مطرح کنند.

در میان سؤال‌های مطرح‌شده به مواردی اشاره می‌شد که اصغر فرهادی در حین پاسخ‌گویی مطالب ناگفته‌ای هم از برخی فیلم‌های خود بیان می‌کرد.

او در بخشی از این جلسه با اشاره به اینکه فیلم‌هایش از جنس فیلم‌هایی است که تماشاگر عادی دارد و مراقب است تا اطلاعات فیلم را در زمان مناسب در طول فیلم به او بدهد، در پاسخ به اینکه چطور می‌توان یک ایده را به فیلم‌نامه تبدیل کرد؟ توضیح داد: این مسئله بستگی به عمر آن ایده دارد؛ یعنی ایده‌ای که شب قبل داشته باشید و یک ماه بعد آن را بسازید، خوب نیست؛ بلکه ایده‌ای را باید ساخت که سال‌ها در ذهن شما باقی می‌ماند.

برای ساخت «درباره الی» یک عکس داشتم از آدمی که در غروب کنار دریا ایستاده و خیس است و انگار کسی از نزدیکانش در دریا غرق شده و او منتظر برگشت اوست. این عکس از حدود ۲۲سالگی با من بود تا سی‌وشش، هفت سالگی آن را ساختم و انگار چیزی داشت که از ذهن من بیرون نمی‌رفت.

فرهادی برای توضیح بیشتر گفته خود در ادامه از واژه دم‌کشیدن چای استفاده کرد که به‌دلیل سخت‌بودن ترجمه آن و خندیدن حضار صحبت خود را این‌طور ادامه داد: این ایده‌ها و تصاویری که هسته اصلی فیلم می‌شوند، به زمان نیاز دارند و این‌طور نیست که با یک حرارتی آن را زیاد کرد تا به پختگی برسند. به این ترتیب وقتی فکر کردید یک ایده پس از چند سال شما را رها نمی‌کند، باید آن را گسترش دهید و باید برای آن، شروع به طرح سؤال کنید که مثلا این مرد کنار دریا کیست، چرا تنهاست، بقیه کجا هستند و... .

کارگردان فیلم «شهر زیبا» در ادامه خطاب به مخاطبان خود در سالن گفت: آنچه فیلم‌نامه را تشکیل می‌دهد، ناخودآگاه شماست. دراین‌باره خیلی وقت‌ها دیده‌ایم فیلم‌سازانی هستند که در ابتدای کار خود فیلم‌های خوبی می‌سازند، اما هرچه زمان می‌گذرد و سن آنها بالاتر می‌رود، فیلم‌هایشان اگرچه به لحاظ تکنیکی خوب است اما دیگر مانند قبل ارتباطی با آنها برقرار نمی‌شود. از این نوع فیلم‌سازها در دنیا زیاد داریم و البته اصلا تقصیر آنها نیست، چون آنها کم‌کم به ناخودآگاه خودشان آگاه می‌شوند و به‌نوعی به بخش آگاهانه شخصیت خود تبدیل می‌شوند.

فرهادی تأکید کرد: به همین دلیل است که می‌گویم اگر دیگران راجع به فیلم شما حرف می‌زنند و مطلبی می‌نویسند، خیلی آن را نخوانید، چون به ناخودآگاه‌تان آگاه می‌شوید و بعد فیلم‌سازی برای شما سخت می‌شود.

در ادامه این جلسه پرسش و پاسخ، یک هنرجوی تاجیکستانی که به زبان فارسی هم صحبت می‌کرد، با ابراز خوشحالی از اینکه در این جمع حضور دارد، خطاب به اصغر فرهادی گفت که چند سؤال دارد.

او ابتدا این سؤال را مطرح کرد که آیا وقتی فیلم «جدایی نادر از سیمین» ساخته می‌شد، پیش‌بینی حضور بین‌المللی موفق و دریافت اسکار را می‌کرد که فرهادی هم در پاسخ به این سؤال گفت: قبل از فیلم «جدایی...»، «درباره الی» را ساختم که بیرون از ایران بسیار موفق بود، بعد زمانی که خواستم جدایی را بسازم گفتند حیف نیست بعد از آن موفقیت، فیلمی بسازی که به نظر فقط می‌تواند در ایران موفق باشد. در پاسخ به این صحبت‌ها گفتم «درباره الی» به اندازه کافی موفق بود و حالا اجازه دارم یک فیلم محلی بسازم که فقط به مردم ایران بپردازد.

او ادامه داد: آن‌قدر مطمئن بودم که فیلم «جدایی» فقط داخل ایران موفق می‌شود که حتی پس از ساخت، زیرنویسی هم برای آن آماده نکردم و وقتی فردی از جشنواره برلین آمد و خواست فیلم را ببیند! به او گفتم این فیلم به درد شما نمی‌خورد، چون موضوع آن بومی است و حتی زیرنویس هم ندارد.

کارگردان فیلم «گذشته» با بیان اینکه شاید دستیاران من که در سالن حضور دارند این موضوع را یادشان بیاید، ادامه داد: با وجود این، آن شخص اصرار کرد این فیلم را با مترجم تماشا کند و وقتی فیلم را دید کاملا آن را فهمیده بود. بعد از آن هم فیلم به خارج از کشور رفت و اتفاقاتی شبیه آنچه در ایران رخ داده بود، پیش آمد و تماشاگران با آن ارتباط برقرار کردند. در واقع فکر می‌کنم شاید دلیل موفقیت این فیلم در خارج از ایران این بود که فکر نکردم باید به خارج کشور برود و آنجا موفق شود، به این ترتیب معتقدم محلی‌ترین فیلم‌ها جهانی‌ترین هم خواهند بود.

اصغر فرهادی همچنین درباره لحن فیلم‌های خود و انتخاب آنها گفت: اولین فاکتوری که می‌گوید لحن فیلم چیست، این است که اثر شما چقدر به واقعیت نزدیک یا از آن دور باشد. اگر می‌خواهید فیلمی بسازید که عین زندگی واقعی است، لحن آن عوض می‌شود. آن وقت تصمیم می‌گیرید که دوربین شما چطور قرار گیرد. از آنجا که زندگی روزمره برایم مهم است، در فیلم‌هایم همه چیز به سمت این لحن می‌رود که به زندگی روزمره نزدیک‌تر باشد. در این راستا در فیلم «گذشته» درباره آدم‌ها و گذشته آنها حرف می‌زدم و از آنجا که همیشه وقتی از گذشته صحبت می‌کنیم با آرامش آن را تعریف می‌کنیم، حتی اگر اتفاقی مهیب بوده باشد، این فیلم هم با لحنی آرام ساخته شد.

کارگردان فیلم «چهارشنبه‌سوری» همچنین در پاسخ به سؤالی که درباره شخصیت‌های خاکستری فیلم‌هایش مطرح شده بود، توضیح داد: دراین‌باره اول باید بدانیم که اصلا شخصیت خاکستری یعنی چه، چون خیلی دیده‌ام که عده‌ای به اشتباه فکر می‌کنند آنهایی که خطا و درستی کارشان تعادل دارد، خاکستری هستند درحالی‌که این اصلا درست نیست. شما می‌توانید در فیلم شخصیتی داشته باشید که حتی قتل انجام داده باشد و کارهایی از او ببینید که شما را مشمئز کند اما می‌توان آن را خاکستری دانست، فقط به این شرط که برای کارهایی که انجام می‌دهد به تماشاگر توضیح داده شود.

فرهادی با اشاره به شخصیت‌های فیلم «شهر زیبا» گفت: به نظرم بیشتر آدم‌ها در جهان خاکستری هستند، چون شرایطی باعث می‌شود کارهایی کنند که برای دیگران پذیرفتنی نیست، البته این به این معنا نیست که فکر کنم آدم بد در جهان وجود ندارد ولی سعی کردم در فیلم‌هایم راجع به آدم‌های بد حرف نزنم و بیشتر به خاکستری‌ها بپردازم.

در پایان این جلسه آموزشی، لوح تقدیر و افتخاری از سوی مازیار میری به عنوان مدیر بخش دارالفنون جشنواره جهانی فیلم فجر به اصغر فرهادی اهدا شد.

## «کشتن کفتر چاهی»، روی صحنه

**شرق:** نمایش «کشتن کفتر چاهی» به کارگردانی رضا حداد، از نوزدهم اردیبهشت روی صحنه می‌رود. این نمایش، براساس نمایش‌نامه‌ای از محمد چرمشیر، در سالن تازه‌تأسیس «آفتاب» اجرا خواهد شد. دانشجویان می‌توانند با ارائه کارت دانشجویی، بلیت‌های این نمایش را با ۵۰ درصد تخفیف خریداری کنند. در خلاصه داستان این نمایش می‌خوانیم: «تعدادی دختر جوان دور هم جمع می‌شوند و تصمیم می‌گیرند دست به عملی نامتعارف بزنند. آنها مصمم‌اند تا افرادی را که به بیماری‌های درمان‌ناپذیر مبتلایند، زودتر از موعد تعیین‌شده به دست مرگ بسپارند، زیرا بر این عقیده‌اند که حضور این‌گونه افراد باعث ایجاد نقص در طبیعت می‌شود...».بازیگران به ترتیب ورود به صحنه: سعیده آجرلی، آذین نظری، ستاره ملکی، نفیسه زارع، مائده اسداللهی، یاسمن میرزایی، پردیس احمدیه، درسا ابوالفضلی، سونیا اسماعیلی، طراح صحنه: رضا حداد، شیما میرحمیدی، طراح لباس و آکسسوار: شیما میرحمیدی، طراح صدا: بامداد افشار و مجری طرح: محمدرضا حسین‌زاده هستند. علاقه‌مندان برای تهیه بلیت‌های این نمایش می‌توانند به وب‌سایت تیوال مراجعه کنند.

## ۵ تکه از ماه در نمایشگاه کتاب

انتشارات ثالث دوره پنج‌جلدی «ماه بر ترک دوچرخه» را که در آن علی‌اصغر سیدآبادی برگزیده شعر فارسی را از اولین شعرها تا امروز برای نوجوانان ارائه کرده است منتشر کرده که در بیست‌ونهمین نمایشگاه کتاب عرضه خواهد شد. علی‌اصغر سیدآبادی درباره این مجموعه می‌گوید: این کتاب با بیش از هزارو ۱۱۰ صفحه، ۲۱ فصل به اضافه چند مقدمه و مؤخره دارد. همچنین درباره شعرهای دوره‌های مختلف توضیح داده شده و برگزیده‌ای از شعرهای این دوره‌ها ارائه شده است و سپس کتاب‌شناسی شاعران معاصر، فرهنگ واژگان شعر و مؤخره‌ای در توضیح روش کار آمده است. علی‌اصغر سیدآبادی مجموعه ماه بر ترک دوچرخه را مجموعه‌ای کتابخانه‌ای- مدرسه‌ای معرفی کرد و گفت: با اینکه نوجوانان این مجموعه را می‌توانند به‌راحتی تهیه و استفاده کنند، اما این مجموعه هم به لحاظ حجم و گرانی و هم به لحاظ اینکه دانش‌آموزان می‌توانند مکررا به آن مراجعه کنند، مجموعه‌ای کتابخانه‌ای است. وی افزود: ارزان‌ترین و دردسترس‌ترین و ساده‌ترین راه برای بهبود سواد خواندن، پناه‌بردن به کتاب شعر و داستان است. به نظرم بهترین راه اصلاح آموزش‌وپرورش ابتدایی در ایران خواندن کتاب برای کودکان است.

## طراح لوگوی اپل در ایران

چهارمین دفتر بین‌المللی راب جانوف راه‌اندازی شد. این طراح گرافیک که لوگوی شرکت اپل او برای مخاطبانی از سراسر جهان آشناست، با یک دیزاین‌استودیوی ایرانی تفاهم‌نامه همکاری امضا کرد. جانوف، تجربه همکاری با برندهای شناخته‌شده‌ای مانند آی‌بی‌ام، اینتل، کرافت و کلینکس را در کارنامه خود دارد اما آنچه او را از دیگر طراحان گرافیک متمایز می‌کند پروژه طراحی لوگوی اپل است که به سفارش استیو جابز در سال ۱۹۷۹ انجام داد؛ سیب گاززده‌ای که داستان‌های ساختگی بسیاری راجع به چگونگی خلق آن در جهان مطرح است. اما او درباره داستان‌های موجود به توضیح مختصری بسنده می‌کند: «من یک سیب طراحی کردم و برای اینکه شبیه گیلاس نباشد، یک گاز از آن برداشتم». تورج صابری‌وند، طراح ارشد «دیزاین‌وند» و همکار ایرانی راب جانوف، در مورد این تفاهم‌نامه به «شرق» گفت: «درحالی‌که تمام برندهای جهان مدام لوگوهایشان را بازطراحی می‌کنند در ایران لوگوهای بسیاری وجود دارد که دهه‌ها پیش طراحی شده و تا امروز هیچ تغییری نکرده و از استانداردها عقب مانده‌اند. از دیگرسو در شرایط جدید اقتصادی ایران و حضور برندهای جهانی، برندهای ایرانی ناگزیرند هویت بصری‌شان را به‌روز کنند تا تصویر پویا و سرزنده‌ای از خود به مخاطبان ارائه دهند».

## لزوم استفاده از قطرات رنگی ملودی‌های نواحی در موسیقی روز

**مهدی وجدانی، آهنگ‌ساز:** نهمین جشنواره سراسری موسیقی نواحی، ۱۷ اردیبهشت، در شهر کرمان برگزار می‌شود؛ جشنواره‌ای برای گونه‌ای از موسیقی که در بسیاری از جوامع تکنولوژی‌زده امروز، مهجور مانده است. اما چرا؟ چرا در جوامعی که کم‌وبیش دچار خودباختگی فرهنگی هستند، ترس از فراموشی ملودی‌های بومی وجود دارد؟ چرا این واهمه در کشورهای غربی- با همه پیشرفت‌های تکنولوژیکی‌شان- کمتر نمود دارد و ما چگونه می‌توانیم در کشور خود در نشر، نگهداری و توسعه موسیقی بومی و نواحی، همت گماریم؟

با نگاهی اجمالی به تاریخ موسیقی کلاسیک و دوره رمانتیک درمی‌یابیم که مبنای بسیاری از قطعات آهنگ‌سازان شهیر، ملودی‌های بومی بوده است. به‌طورمثال برامس، گریگ و بتهوون قطعات بسیاری را براساس ملودی‌های فولکلور زادگاهشان بازآفرینی کرده‌اند و بدین شکل، به نواهای زادگاه‌شان، شکلی جاودان بخشیده‌اند. به‌نظر می‌رسد امروزه نیز برای حفظ ملودی‌های بومی، باید به شیوه بزرگان عصر کلاسیسم پناه بُرد. باید ملودی‌های نواحی را از سازهای روستانشینان به قلم آهنگ‌سازان جوان و تحصیل‌کرده منتقل کرد. اما چگونه؟ بی‌شک چنین اتفاقی با دستورالعمل و بخش‌نامه‌های دستوری، اجرائی نمی‌شود؛ مگر با ایجاد یک مِیل ملی. مگر آنکه جوانان ما ضمن خودباوری و شناخت ارزش‌های فرهنگی و بومی، نسبت به استفاده از ملودی‌های نواحی، علاقه‌مند شوند که طی چنین مسیری نیز نیازمند تدبیر سیاست‌گذاران فرهنگی است.

اینکه تصور کنیم متولی اصلی موسیقی؛ یعنی مرکز موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بنا بر وظایف خود صرفا با بهره‌گیری از چند پژوهشگر و تحقیق گسترده و ضبط ملودی‌های بومی و نواحی می‌تواند نجات‌بخش موسیقی نواحی باشد، غلط است. گرچه این کار نیز لازم است و هم‌اکنون در گنجینه و آرشیو مرکز موسیقی و نیز کتابخانه ملی، پژوهش‌های ارزشمندی از موسیقی نواحی وجود دارد، اما لازم است برای ایجاد میل ملی به موسیقی بومی و ملودی‌های نواحی، تدبیری همه‌جانبه اندیشیده شود.

موسیقی نواحی، بخش کوچکی از دنیای پهناور موسیقی کشور است، اما همین بخش کوچک می‌تواند همچون قطرات جوهر، در رنگ‌آمیزی موسیقی روز، تأثیری شگفت داشته باشد. آنگاه است که می‌توان با بهره‌مندی از ملودی‌های موسیقی نواحی و تنظیم‌شان در ژانرهای جدید، توجه ذائقه‌های عمومی را جلب کرد. آهنگ‌سازان جوان ما کم‌وبیش، موسیقی نواحی را می‌شناسند ولی آنچه نیاز است تا از ظرفیت این گونه موسیقی در آثار خود استفاده کنند، خودباوری فرهنگی است. حتی اگر چشم به آموزه‌های موسیقایی غربی و مُد روز هم داشته باشند باید به این اندیشه برسند که برای دیده‌شدن و تولید آثار ماندگار نیاز است ارزش‌های موسیقایی بومی را به حقیقت «ارزش» بدانند. برگزاری جشنواره موسیقی نواحی، برآورده‌کننده همه خواست‌ها و ایده‌آل‌های علاقه‌مندان به موسیقی بومی و نواحی نیست. چنین جشنواره‌هایی می‌توانند در کنار دیگر کارکردهای خود، تلنگری در یادهای جوانان و رسانه‌ها باشند تا فراموش نکنند موسیقی نواحی، ظرفیتی بیش از آنچه به ظاهر تصور می‌شود، دارد.

پرده‌خانه

## در حال و احوالات این روزهای تئاتر

فرزانه ابراهیم‌زاده

● مقدمه: با یک حساب سرانگشتی به‌نظر می‌رسد این روزها حال و احوال تئاتر از بقیه هنرها بهتر باشد. تئاتری‌ها مانند اهالی تجسمی که درگیر واگذاری موزه هنرهای تجسمی هستند، به نظر بابت تئاتر شهر و تالار وحدت و سایر سالن‌ها نگرانی خاصی ندارند. در ضمن تئاتر در هنرستان‌ها هم سال‌هاست که تدریس نمی‌شود و برای همین مشکلی برای حذفش از نظام آموزشی متوسطه نیست. مانند اهل سینما هم سرگردان در دوتکه‌شدن جشنواره نیستند. راه خودشان را می‌روند. ماجرایی به شکل ارکستر سمفونیک و لغو کنسرت هم ندارند. تازه وزیر ارشاد که در ابتدای رسیدن به پست وزارت تا یک سال، کاری به کارشان نداشت، هم اهل تئاتر شده و سال ۹۵ هم شکر خدا سال تئاتر نام گرفته و قرار است آن مشکل کسری بودجه‌ای که از وقتی یادمان هست دامان تئاتر این کشور را گرفته و آن را هنری مظلوم و بیچاره نشان داده هم رفع شود. وضعیت اجراها و دستمزدها و... همه بر وفق مراد است. پس حال تئاتر خوب است؛ شما باورتان می‌شود؟

### دایره گچی...

انتخابات خانه تئاتر شنبه هفته قبل بدون هیچ مشکلی برگزار شد. البته اگر برگزار هم نمی‌شد، تفاوت زیادی نداشت؛ به این دلیل که با وجود همه شعارهای انتخاباتی که ۳۵ نامزد این دوره برای بهترشدن وضعیت تئاتری‌ها و توزیع سهم عادلانه سالن‌ها و بحث بیمه و حمایت از هنرمندان ازکارافتاده و قرارداد تیپ و تمام‌شدن ساختمان خانه تئاتر در خیابان سمیه و... داده بودند که البته هیچ‌کدام هم برای کسی تازگی نداشت، با یکی، دو تغییر همان کسانی انتخاب شدند که از دوره اول خانه تئاتر تا امروز عضو هیأت‌مدیره خانه تئاتر بودند. از همان ابتدا هم می‌شد حدس زد که قرار نیست اتفاق خاصی بیفتد. همان دایره گچی است که از خیابان صبا به چهارراه ولی‌عصر کشیده شده است. همه حرف‌های تکراری، آدم‌های تکراری و حتی دعواهای تکراری که هر دو سال یک بار در سالن اصلی تئاتر شهر اتفاق می‌افتد و درنهایت هم همان چند نفر همیشگی انتخاب می‌شوند و به نظر می‌رسد تئاتری‌ها از وضعیت صنفی خودشان بسیار راضی هستند. اینکه حرف‌هایی که هر چند سال درباره ریاست مادام‌العمر برخی از اعضای هیأت‌مدیره می‌شنویم، جدی نیست و بلندفکرکردن برخی از اهالی خانه تئاتر است.

### شورا ترسناک نیست

رئیس شورای نظارت و ارزشیابی تئاتر حرفه‌ای در روزهای آخر هفته با حکم رئیس مرکز هنرهای نمایش تغییر کرد و بار دیگر رحمت امینی که چندین‌بار پیش از این در این سمت در مرکز هنرهای نمایشی نظارت بر تئاتر را برعهده داشت، به این سمت منصوب شد. این تغییر البته درست در روزهایی اتفاق افتاد که چند روز پیش‌تر از آن، نمایش لیلی نام تمام دختران ایران است، بعد از ۲۰ روز اجرا متوقف شد. در اینکه این دو اتفاق ربطی به هم دارد یا خیر، قضاوتی نمی‌کنیم. اینکه شورای نظارت اول مجوز می‌دهد و بعد از یک ماه تصمیم می‌گیرد مجوزش را لغو کند، موضوع ما نیست. موضوع تغییر و تحولی است که یکباره رخ داده است. امینی علاوه بر اینکه سال‌هاست استاد دانشگاه است در چندسالی که از شورا دور بوده، چندین نمایش را کارگردانی کرده و صابون شورای نظارت به لباس‌هایش خورده است. به همین خاطر می‌توان امیدوار بود که به جای نظارت بیشتر، ارزشیابی را مدنظر خود داشته باشد. پس اینکه او به خبرگزاری «مهر» گفته: «این شورا نباید به‌عنوان عاملی تهدیدکننده و ترسناک برای هنرمندان تئاتر باشد» را باید به یاد داشته باشیم؛ در ماه‌های آینده حتما به کارمان خواهد آمد.

### راوی نسخه‌های تعزیه

استاد جابر عناصری در هفته‌ای که گذشت، در سکوت درگذشت و جامعه تئاتری را که در چند سال گذشته خبر و سراغی از او نگرفته بودند، در سوگ خود فرو برد. همه آن کسانی که در همه این سال‌ها باعث دل‌شکستگی یکی از قدیمی‌ترین پژوهشگران شبیه‌خوانی در ایران شده بودند یا در این سال‌ها حال و احوالی از او نپرسیده بودند، یک‌دفعه سرانگشت گزیدند و پیام‌های تسلیت پشت هم که چرا در این سال‌ها از او غافل بودیم. کسی هم در این میانه نپرسید که چه چیز باعث سکوت و عزلت‌گزینی جابر عناصری شده بود یا اینکه او در این سال‌ها چه پژوهش‌هایی را انجام داده است.

### دعوت به دنیای تراژدی و کمدی

در میان این همه نمایش و شبه‌تئاترهایی که این روزها روی صحنه‌های خصوصی و دولتی به صحنه می‌آید، به شما پیشنهاد می‌کنم سری به تماشاخانه حافظ بزنید و با دیدن اودیسه یک تئاتر خوب را روی صحنه ببینید. این نمایش که تازه‌ترین کار آرش دادگر و گروه کوانتوم است، شما را با شاهکار هومر به دنیای تراژدی و کمدی می‌برد و می‌توانید یکی از مشهورترین متون تئاتر را در دو قالب در کنار هم و با کمک‌گرفتن از قواعد تئاتری ببینید.